



نخستین کتابخانه رسمی ایران دستآورد انقلاب مشروطه

مصاحبه با حجه الاسلام سید محمدعلی احمدی ابهری
رئیس کتابخانه مجلس شورای اسلامی



محمد رضا نظری

نهضت مشروطه ایران بی شک یکی از مهم ترین رویدادهایی است که در چرخه تاریخ ایران به وقوع پیوسته است و دگرگونی های فراوانی در ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را باعث شده است. یکی از میراث های انقلاب مشروطه تشکیل مجلس شورای ملی است که سنگ بنای تاسیس و راه اندازی اولین کتابخانه رسمی کشور تحت لوای مجلس ملی است. در هر جامعه ای وجود کتابخانه نموداری است از پیشرفت های فرهنگی در گذشته و همینطور وسیله ای برای پیشرفت های آینده محسوب می شود. اکنون کتابخانه مجلس با در دست داشتن هزاران جلد نسخ و کتب خطی و آثار نفیس هنرمندانی همچون کمال الملک و شاگردانش به یکی از غنی ترین منابع اطلاعاتی کشور تبدیل شده است. برای بازشناسی این مجموعه با حجة الاسلام سید محمد علی احمدی ابهری ریاست کتابخانه مجلس شورای اسلامی به گفتگو نشستیم.

ابهری در سال ۱۳۳۵ در شهر مذهبی قم و در خانواده ای روحانی به دنیا آمده است و پس از گذراندن تحصیلات متوسطه در تهران، در رشته حقوق در قم به ادامه تحصیل پرداخته است که پایان این دوره با پیروزی انقلاب همراه شد. وی جزء اولین گروهی بود که به سپاه پاسداران پیوست و در شورای قضایی سپاه مشغول به فعالیت شد. پس از مدتی برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم برگشت و به مدت ۲۰ سال به تحصیلات حوزوی پرداخت و در کنار آن فوق لیسانس رشته حقوق جزا و جرم شناسی را از دانشگاه تهران اخذ نمود و از سال ۱۳۷۷ تا کنون مسئولیت کتابخانه مجلس را برعهده دارد. وی که اکنون در حال اخذ دکترای حقوق جزا و جرم شناسی است، دارای سوابق متعددی در دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

و نیز حضور در سازمان ارتباطات اسلامی است و اکنون عضو هیئت رئیسه اتحادیه نسخ خطی اسلامی در دانشگاه کمبریج و عضو کمیته دیجیتال کردن نسخ خطی است.

س: جناب آقای ابهری درباره شکل گیری کتابخانه پارلمان ایران به عنوان اولین کتابخانه رسمی کشور توضیح دهید؟

ج: زمان شکل گیری کتابخانه مجلس بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب مشروطیت و تشکیل اولین مجلس شورای ملی است. با وجود اینکه در بعضی از متون سال ۱۳۰۲ را سال شکل گیری کتابخانه مجلس ذکر کرده اند اما در سال ۱۲۸۷ اولین بحث ها در مورد قانونی کردن وجود کتابخانه در مجلس دوم مشروطه مطرح شد و در سال ۱۲۹۱ نظام نامه کتابخانه به تصویب رسید. بنابراین در واقع شکل-

گیری کتابخانه مربوط به زمانی است که کتابخانه در حوضخانه ساختمان بهارستان قرار داشت حتی قبل از آن نیز کتابخانه ای در صحن پارلمان با دو قفسه کتاب تشکیل شده بود. در مشروح مذاکرات اولین روزهای تشکیل مجلس اول مشروطه آمده است که مجلس شصت جلد کتاب از فرهنگستان خریداری کرده تا در تدوین مشروطه مورد استفاده قرار گیرند. منطقیاً باید این را نقطه اول شکل گیری کتابخانه مجلس دانست (در جلسه روز سه شنبه ۲۱ ذی حجه ۱۳۲۴ق. دوره اول مجلس شورای ملی) طی این دوران افراد مجموعه های ارزشمند خود را به کتابخانه اهدا کردند و یا از آنها خریداری شده است که از مرحوم ابوالحسن جلوه، احتشام السلطنه و غیره کتاب خریداری می شود و بعد از آن نیز با ایجاد ساختمان جدید کتابخانه توسعه بیشتری پیدا می کند به نحوی که امروزه بیش از ۳۰ خاندان اهل علم و فرهنگ کل مجموعه خود را به کتابخانه اهدا کرده اند و یا فروخته اند.

در واقع این کتابخانه بعد از پیروزی انقلاب مشروطیت اولین کتابخانه رسمی کشور محسوب می شود و تا آن زمان کتابخانه ملی در کشور وجود نداشت و به همین دلیل این کتابخانه متفاوت با کتابخانه های سایر پارلمان ها محسوب می شود، که شامل مجموعه های نفیس، نسخ خطی و مجموعه نشریات وسیعی است و در بعد خدمات دهی هم منحصر به نمایندگان و دولتمردان نیست زیرا تا مدتها این کتابخانه نقش کتابخانه ملی کشور را هم ایفا می کرده است و به همه محققین و علاقمندان سرویس می داده است و اکنون نیز با توجه به منابع نفیسی که در کتابخانه مجلس وجود دارد، شایسته نیست که فقط منحصر به نماینده ها و دولتمردان باشد و به تمامی محققین، اساتید دانشگاه، مولفین و دانشجویانی که دنبال کار تحقیقی هستند خدمات



ارائه می کند که کمتر کتابخانه پارلمانی در دنیا این ویژگی را متقبل شده است و به عنوان نمونه اگر در آمریکا کتابخانه کنگره به همه مردم خدمات ارائه می دهد در حقیقت آنجا کتابخانه کنگره نقش کتابخانه ملی را هم ایفا می کند.

س: این کتابخانه به عنوان قدیمی ترین کتابخانه رسمی کشور باید از لحاظ نسخ خطی و آثار موجود نسبت به سایر کتابخانه های کشور از یک برتری خاصی برخوردار باشد. در مورد این برتری و



اسناد موجود توضیح بدهید؟

ج: از نظر کمی در کتابخانه مجلس مجموعه کتابهای چاپی و خطی، گزارش‌های دولتی، اسناد و انتشارات سازمان ملل متحد و مجامع وابسته، نشریات، اسناد تاریخی و ملی وجود دارد و مجموعه منابع اطلاعاتی رقمی حدود سیزده میلیون است. تا چند سال گذشته که سازمان اسناد ملی و کتابخانه ملی با هم ادغام نشده بودند، ما از نظر کمی بزرگترین مجموعه کتابخانه کشور را دارا بودیم؛ اما وقتی که سازمان اسناد ملی با یک رقم بالایی سند در کتابخانه ملی ادغام شد مجموعه اسناد آن به رقم بیست میلیون رسید و ما از نظر تعداد در رتبه دوم قرار گرفته ایم و سایر کتابخانه‌های کشور، رقم‌هایی کمتر از یک میلیون منبع اطلاعاتی را دارند. واقعیت این است که اهل فرهنگ و ادب یک ارتباط و یک اعتماد خاصی به کتابخانه مجلس داشته و دارند و حتی بعضی از آنها با این استناد که اگر اسناد خود را در اختیار کتابخانه‌های دولتی قرار دهند با تعویض دولت، و یا تغییر تصمیمات آنها در امان نیستند؛ ولی مجلس در این مملکت دیگر عوض نمی‌شود و نماینده‌های مردم هستند و حتی اگر تغییر و تحولاتی در نظام کشور پیش بیاید، کتابخانه مجلس پابرجا خواهد ماند. با اینچنین اعتمادی مردم نفیس‌ترین نسخ و کتاب‌های خود را به کتابخانه مجلس اهدا کردند. به همین دلیل بعضی از مجموعه‌های ما مثل نسخ خطی که امروز تعدادش به بیش از ۲۴ هزار جلد می‌رسد، جزء نفیس‌ترین نسخ خطی موجود در کشور بوده و بسیاری از آنها نادر و منحصر به فرد هستند. به همین دلیل حتی اگر کتابخانه دیگری را امروز تشکیل دهیم تا از خروج نسخه‌های خطی جلوگیری کنیم، طبیعتاً نسخی که به ما عرضه

می‌شود، در بین اینها تعدادی نفیس و منحصر به فرد پیدا می‌شود. مثلاً ممکن است در بین کتابهایی که برای فروش عرضه می‌شود، کتابی باشد و یا کتابهای درسی حوزه‌های علمیه که در خانه هر طلبه‌ای وجود داشته است و از آن استنساخ می‌شده است موجود باشد که این البته یک کتاب نفیس و یا منحصر به فرد نیست و ممکن است از این موارد هزاران مورد به ما عرضه کنند و ما به خاطر اینکه نگذاریم به خارج کشور برود آن را می‌خریم. اما آن انحصار و نادر بودن نسخه یک ویژگی است که از نظر کیفی به مجموعه کتابخانه ویژگی خاصی می‌دهد. نشریات کتابخانه مجلس هم مجموعه نفیسی است. بسیاری از ناشرین و منتشرکنندگان نشریات، خودشان نسخ قدیمی خود را ندارند و آنها را در مجموعه ما پیدا می‌کنند، و یا بسیار اتفاق می‌افتد که محققین در تمام کشور کتابخانه‌ها را جستجو می‌کنند اما نسخه مورد نظرشان را اینجا پیدا می‌کنند. حتی گزارشات دولتی که مجموعه‌ای از منابع ما است، بسیاری از ادارات صادر کننده آن، گزارش خودشان را ندارند و اگر آن گزارش را دارند فقط مربوط به همان دستگاه است که به مجلس دادند ولی ما مجموعه‌ای از تمام دستگاه‌های دولتی که در این مدت به مجلس گزارش داده‌اند را جمع‌آوری کرده ایم و به همین جهت ویژگی کیفی خاصی را به کتابخانه مجلس داده است.

س: شما قبلاً اعلام نمودید که ۱۲۰ هزار نسخه خطی توسط مردم نگهداری می‌شود. با توجه به توانایی شما در حفظ و نگهداری آثار حتی در پی تغییر دولت و یا نظام چرا با عدم اقبال عمومی مواجه هستید و این افراد حاضرند اسناد خود را در منازل، مساجد و حسینیه‌ها نگهداری کنند؟

ج: البته این رقم‌ها تخمینی است و در دست خانواده‌های متعدد و در شهرهای متعدد با سلیقه‌های گوناگون نگه‌داری می‌شوند و البته آنهایی که وقف شده هم در همانجا نگه‌داری می‌شوند مثلاً کسی سیصد سال پیش یک کتابی را به مسجد سجدی وقف کرده که الان هم در آن مسجد است و تا آخرش هم باید همانجا بماند. و یا کسی که کتاب دوست است و مجموعه عظیمی در یکی از شهرها دارد، لزومی ندارد تا از آنها گرفته شود. علاوه بر این که اصولاً جمع‌آوری نسخ خطی و اسناد در یک مکان اقدام خوبی نیست. بلکه می‌تواند خطرناک باشد. زلزله استانبول، جنگ در عراق و افغانستان این امر را ثابت کرد.

س: خیلی از نسخ کشورمان در بلایای طبیعی از بین رفته‌اند حداقل در صورت وجود فهرستی از آثاری که در دست مردم نگهداری می‌شود می‌توان محدوده خسارت را نیز مشخص کرد؟

ج: بله در ادامه عرایض قبلی باید بگویم که بهترین راه این است که نسخ خطی در هر جا که هستند باید بمانند. دستگاه‌های مسئول شرایط مناسب تری برای نگهداری آنها تامین کنند و ضمن اینکه آسیب‌شناسی و مرمت شوند برای آنها شناسنامه، نسخه میکروفیلم و نسخه دیجیتال تهیه شود و در نهایت با جمع‌آوری فهرست این نسخ و بانک میکرو فیلم یا کتابخانه دیجیتالی در اختیار محققان قرار بگیرند. همان‌طور که گفتم وقوع زلزله استانبول که موجب صدمه دیدن نسخ خطی بسیاری شد و همین‌طور جنگ عراق و افغانستان ثابت کرد که نباید به دنبال جمع‌آوری نسخ و اسناد در یک مکان باشیم.

س: دولت از طریق طرح تکفا هزینه‌های گزافی را برای به‌کارگیری فن‌آوری‌های نوین خرج نموده است؛ در کتابخانه مجلس پروژه تکفا چه جایگاهی در دیجیتال کردن کتابخانه داشته است؟

ج: از پروژه تکفا تا به حال ارقام بسیار کمی را استفاده کرده‌ایم. یک مورد بحث توسعه اطلاع‌رسانی و تامین برخی نرم‌افزارها و سخت‌افزارها بود و حدود پنج سال قبل یک مورد هم طرح RFP برای برنامه جامع کتابخانه داشته‌ایم و کتابخانه مجلس هیچ استفاده‌ای از اعتبارات طرح تکفا نکرده است. البته طرح‌هایی برای استفاده

از اعتبارات تکفا تهیه و پیگیری هم کردیم ولی متأسفانه به هیچ نتیجه قطعی نرسیده ایم به هر حال طرح دیجیتالی کردن کتابخانه مجلس را داریم ولی همیشه کمبود اعتبار مانع بوده که در این راه قدمی برداریم.

س: یعنی علت توقف پروژه های موجود فقط به دلیل کمبود بودجه است؟

ج: بله همین طور است. اعتبار ما بسیار ناچیز است و در مقابل کار انبوهی در پیش رو داریم. مثلاً در حدود ۱۲ میلیون سند ملی و تاریخی داریم که اینها باید بازخوانی و نمایه سازی شود و از آنها تصویر دیجیتالی تهیه گردد و در یک نرم افزار اینها را با هم جمع کنیم که به سادگی در اختیار محققین قرار گیرند؛ ولی متأسفانه تا به حال گام های خیلی کوچکی توانسته ایم در این راه برداریم و درصد خیلی پایینی از اسنادمان فهرست برداری و بازخوانی شده است.

س: شما در حالی از کمبود مالی گله می کنید که برای این امر در طرح تکفا بودجه های کلانی دیده شده است؟

ج: اصلاً برای کتابخانه مجلس در نظر گرفته نشده است. مثلاً ما این ۱۲ میلیون سند را اگر بتوانیم فهرست برداری کنیم می توانیم اولویت بندی کنیم. در اولویت اول فرض کنید که سه میلیون سند قرار گیرد اسنادی می شود که باید بازخوانی شود و تصویر دیجیتالی از آنها تهیه شود و در یک بانک اطلاعاتی هم قرار گیرد. اگر ما اعتبارات کافی داشته باشیم به سرعت می توانیم تصویر دیجیتالی را در سی دی قرار بدهیم. مثلاً فرض کنید آن طرحی که ما داشتیم این بود که روی هر سی دی هزار تصویر قرار دهیم مثلاً سیصد سی دی تهیه کنیم از افرادی که توانایی خواندن آن سی دی و آن سند را دارند و نمایه سازی آن سند را می توانیم به تعداد زیاد در کنار همدیگر استفاده کنیم شاید واقعاً بتوانیم که مقدار زیادی از اینها را بازخوانی کنیم، فهرست نگاری و یا نمایه سازی کنیم و در بانک اطلاعات جا دهیم. منتهی این طبیعتاً یک اعتبار همزمان می خواهد و اگر همزمان هم کار کنند ممکن است که ما از چهل نفر محقق هم در آن واحد بتوانیم استفاده کنیم که طبیعتاً این کار را به یکباره راه انداختن اعتبار زیادی را می خواهد که فرق می کند با چهار نفر که در ضمن خدمت رسانی به قراچین کتابخانه عهده دار

فهرست کردن و لیست برداری از این اسناد هم باشند و طبیعتاً سرعت خیلی پایین خواهد بود.

س: تاکنون چه برنامه هایی برای دیجیتالی کردن نسخ خطی در کتابخانه به اجرا در آمده است؟

ج: ما هر ساله در اعتباراتمان دیده ایم حداقل ۳۰۰ هزار سند در سال را در نظر گرفته ایم ولی اعتبارات آن تامین نشده البته به صورت کار جاری این کارها را انجام می دهیم. ولی سرعتش خیلی کم است. ما سند را انتخاب می کنیم اولویت بندی می کنیم ابتدا از آن تصویر دیجیتالی تهیه می کنیم. بعد همان سند را در نرم افزاری می گذاریم و می خوانیم و فیلمهای مورد نظر را پرمی کنیم. معلوم می شود که فرستنده کیست و یا گیرنده چه کسی است، مطالب آن چیست. چه اسم های علم و یا اسم های خاص در آن است. به هر حال نمایه اش می کنیم که از طریق آنها بتواند بازایی شود. این کار در حال انجام است اما تعدادش نسبت به کل سندهایی که ما داریم خیلی کم است.

س: شما فرمودید که این کتابخانه قدیمی ترین کتابخانه رسمی کشور است که زمان آن هم به دوران مشروطه می رسد؛ پس انتظار این است که خیلی از اسناد مشروطه در این کتابخانه موجود باشند ولی متأسفانه نه اینجا موجود است و نه آثاری از آنها باقی است مثل فرمان مشروطیت چطور چنین مسئله ای توجیه پذیر است؟

ج: البته پس از مشروطیت اسناد و مشروح مذاکرات در بمباران محمدعلی شاه از بین رفت و همیشه تصور می شد که هیچگونه سندی در مورد مجلس اول شورای ملی باقی نمانده است ولی این اواخر که ما بحث بازخوانی و انتشار اسناد را داشته ایم یک تعداد اسناد را در لابه لای کتب و نسخ پیدا کردیم و معلوم شد که به هر حال ما می توانیم در یک مجموعه آنها را منتشر کنیم که مقداری از مشروح مذاکرات و اسناد مرتبط با مجلس اول شورای ملی است. البته خیلی از اسناد که مربوط به ملت ما است، و نه فقط در اینجا بلکه اصلاً در کشور نیست و طی زیر و بم های سیاسی موجود در کشور ما به مراکز علمی و آرشیو های خارج از کشور منتقل شده اند. این یک واقعیتی است.

س: بنا به اطلاعات موجود، نیز بعد از انقلاب هم این مسیر ادامه داشته است؟

ج: بعد از انقلاب نیز آنچه که مربوط به مجلس است و در مجلس حفاظت می شود باید پس از یک مدتی به ما داده شود که هنوز داده نشده است. اعم از اسناد سیاسی و قانونگزاری که مرتبط با مجلس است و بقیه اسناد که ظاهراً یک شکل سامان یافته تری دارد. در دوران مشروطیت نیز نفوذ بیگانگان چه در دولت های موجود در زمان باقیمانده عصر قاجار و چه در عصر پهلوی این طور بود که انتقال بسیاری از اسناد فرهنگی و سیاسی به خارج از کشور، کار ساده ای بود. به نظر می آید بعد از انقلاب این قضیه متصدیان و متولیان داشت؛ مثلاً سازمان مدارک علمی و فرهنگی و یا موسسه اسناد و مدارک انقلاب اسلامی داشته ایم و یک هوشیاری خاصی در بین مراکز سیاسی ما وجود داشته؛ در کنار آن یک نوع بی اعتمادی به بیگانگان وجود داشته و در بسیاری از موارد بیگانگان قدرت نفوذ در این مراکز را بسیار کمتر داشتند. بنابراین می شود امیدوار بود که اسناد مرتبط با انقلاب اسلامی کمتر گرفتار آن چپاولی شد، باشد که اسناد مشروطه گرفتار آن شد. الان در مرکز اسناد انقلاب اسلامی می توان اسناد بعد از انقلاب را در آن پیدا کرد و یا موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی عهده دار حفظ اسناد دولتی و حکومتی بعد از انقلاب هستند ولی چنین متولیان بعد از مشروطه نداشتیم.

س: مطرح شده که بعضی از دستگاه های اطلاعاتی و امنیتی در قبل انقلاب و بعد از انقلاب خیلی از اسناد را از کتابخانه تحویل گرفته اند اما عودت نداده اند این صحیح است؟

ج: من نشنیده ام. دستگاه های اطلاعاتی و امنیتی نبودند و بعضی از مراکز تحقیقاتی که در مرکز اسناد کتابخانه تحقیقاتی را انجام دادند. اصل سند را معلوم نیست برده باشند آنچه که ثابت شده این است که از اسنادی که در کتابخانه مجلس بوده کپی گرفته اند و برده اند این ظاهراً اشکالی ندارد. اما اینکه اصل سند را هم برده باشند من تا حالا نشنیده ام.

س: با توجه به نیاز گسترش تعاملات بین الملل کتابخانه مجلس به منظور تسریع فرآیندهایی که بر شمردید، تعامل شما با مجلس اصولگرایان چگونه است؟



ج: در حوزه بین الملل از آغاز شکل گیری مجلس هفتم اصولاً یک سیاست محدود سازی سفرهای خارجی در همه ارگانهای حکومتی اعم از مجلس، دولت و سازمانهای مختلف مورد نظر بوده است. در واقع گاهی احساس می شد بعضی سفرهای خارجی که انجام می شد بدون اینکه بازده قابل قبولی داشته باشد. با توجه به هزینه هایی که دارد و نیز حق ماموریتی که به مأمور می گیرد، هزینه بالایی را به بودجه عمومی تحمیل می کند کتابخانه مجلس هم خیلی از این برنامه ها نداشت. سالی یکبار یک کنفرانس ایفلا داشتیم که کتابدارها در آن شرکت کردند. از زمانی که من مسئولیت کتابخانه را به عهده گرفتم، طی هشت سال تا امروز تلاش کردم که این سفرها اختصاص به رئیس کتابخانه نداشته باشد. تا قبل از آمدن من فقط رئیس کتابخانه در اجلاس ایفلا شرکت می کرد و بعد از اینکه من آمدم تلاش کردم که هر سال دو یا سه نفر از کارشناسان کتابداری در این اجتماع عظیم کتابداران در سطح جهانی حضور داشته باشند و بهره برداری کنند. طبعاً تلاشمان هم این بوده که در هر اجلاسی که شرکت می کنیم، به هر حال ما هم حضور فعال داشته باشیم و فقط به شرکت در کنفرانس ها، و شنیدن اکتفا نکنیم. البته اگر یک کتابدار فقط برای بهره برداری از سخنرانی ها و دستاوردهای علمی هم حضور یابند، پر بیراه نیست و حتی اگر کتابداران ما مشارکت فعال به معنای ارائه مقاله هم نداشته باشند، باز هم خوب است. حتی می خواستیم یک قدم جلو تر بگذاریم و بگوییم اگر کتابدارهایمان را بفرستیم تا فقط به این عنوان بروند که مجامع علمی گسترده را با حضور سه هزار یا پنج هزار کتابدار از تمام دنیا ببینند و به این نتیجه برسند که در خیلی از

موضوعات می شود کار تحقیقی کرد، حتی اگر زبان هم بلد نباشند، بسیار مفید است، کما اینکه در ایفلا هر ساله گروه هایی از طرف دولت کشورشان بورس می شوند و شرکت می کنند که فقط این مجمع را ببینند و بیایند یک چند روزی در این مجمع باشند، چون حضور در این مجمع خودش انگیزه ایجاد می کند. به عنوان مثال ما سه سال پیش در اجلاس برلین شاهد بودیم که ۶۰ نفر از کره شرکت کرده بودند که حضور آنها چند منظوره بود. آنها آمده بودند تا فقط ببینند که این کنفرانس چگونه برگزار می شود چون امسال در کره جنوبی می خواستند برگزار کنند یعنی از سه سال قبل ۶۰ نفر را فرستادند که حتی زبان هم بلد نبودند و فقط آمده بودند با فضا آشنا شوند و شاید این مسئله در ذهنشان جا بیافتد که لازم است که زبان هم بدانند و طی این سه سالی که فرصت دارند به خوبی زبان یاد بگیرند. دوستی که امسال در اجلاس کره شرکت کرده بود، می گفت که تلاش کتابدارهای کره خیلی محسوس بود و تلاش زیادی کرده بودند که حتی زبان هم یاد بگیرند یعنی انگیزه های برای آنها ایجاد شده بود.

س: طی یکسال اخیر وضعیت حضور نمایندگان کتابخانه در اجلاس ایفلا با چه محدودیت های جدیدی مواجه شده است؟

ج: حداکثر کمابند می که در دوران بنده به آن رسیدیم تعداد چهار نفر بود که حضور فعال داشتند یعنی علاوه بر شرکت در کنفرانس ها و بهره برداری حتماً گزارش و یا مقاله ای ارائه می دادند و طی این سالها مقاله هایی که از طرف کتابخانه مجلس ارائه می شد، مقاله نمونه شناخته می شد و یا در خبرنامه تخصصی ایفلا منتشر می شد. کما اینکه مثلاً امسال هم که از کتابخانه مجلس شرکت کرده بودند یک گزارش راجع به فعالیت های اخیر کتابخانه مجلس داده اند که در ایفلا اکسپرس منتشر خواهد شد از دو سال پیش به این طرف یعنی پارسال و امسال به طور کامل سفر کتابدارها به اجلاس ایفلا در کمیسیون ویژه نهاد ریاست جمهوری مورد تأیید قرار نگرفت لذا از کتابخانه های دیگر اصلاً شرکت نکردند و ما در مجلس هفتم در نهایت توانستیم برای حضور یک نفر موافقت بگیریم که سال گذشته برای اجلاس اسلو و امسال در اجلاس استول کره یک نماینده

داشته ایم.

س: در همین رابطه آقای نوعی اقدام از نمایندگان مجلس به عنوان کارپرداز اداری مالی مجلس سفرهای نمایندگان کتابخانه مجلس به ایفلا را فاقد هیچ سودی برای مجلس و نمایندگان دانسته اند که کاملاً متناقض با گفته های فعلی شما است این مطالب را چگونه ارزیابی می کنید؟

ج: طبیعتاً کسانی که بیشتر با مسائل اداری مالی مجلس مرتبط هستند به ریزه کاری های مسائل فرهنگی و علمی آن توجه کافی نمی کنند. ما توقع داریم که یک کنفرانس علمی چه کار کند؟ طبیعتاً بازده یک کنفرانس علمی مثل یک دستگاه صنعتی نیست که از این طرف مواد اولیه به آن بدهیم تا چند ساعت بعد محصولش را ببینیم. در کتابخانه مجلس از هشت سال پیش سرمایه گذاری کردیم و با برنامه های علمی و جلساتی که گذاشتیم دائم تلاش و تشویق نمودیم تا به کتابدارهایمان این را تفهیم کردیم که باید زبان یاد بگیرند تا بتوانند از منابع بیرونی استفاده کنند و بتوانند در مجامع بین المللی شرکت کنند. یکی از مشوق های آنها این بوده که اگر زبان یاد بگیرند و مقاله آنان در ایفلا تصویب شود به آنجا اعزام می شوند و نتیجه اش این شد که بیش از ۲۰ نفر از کتابدارهای ما الان دنبال تقویت زبانشان هستند. این دستاورد کمی نیست ما اگر بتوانیم در کتابخانه مجلس ۵۰ نفر را داشته باشیم که به یک زبان خارجی تسلط داشته باشند منابع آن را بتوانند استفاده کنند و به آن زبان مقاله ارائه دهند. چه دستاوردهایی از این بهتر می توانیم داشته باشیم. آن وقت بحث بر سر این است که چه فایده ای برای مجلس خواهد داشت. آقای نوعی اقدام مطرح کردند که برای من نماینده چه فایده ای دارد که شما بروید در کنفرانس ایفلا شرکت کنید و برگردید و این قدر مخارجتان شود. طبیعتاً از طریق حضور کتابداران در ایفلا ما می توانیم خدمت بهتری به نمایندگان مجلس ارائه دهیم و نمایندگان مجلس از آن استفاده کنند. اگر یک نفر زبان بداند می تواند در اینترنت وارد شود و در منابع خارجی جستجو کند و از دستاوردهای امروزی کتابداری و اطلاع رسانی استفاده نماید و می توانیم خدمات بهتری را به نمایندگان مجلس ارائه بدهیم.

س: آیا تعامل شما با نمایندگان سایر پارلمان‌ها می‌تواند به گسترش مبادلات فرهنگی با کتابخانه‌های دیگر هم منجر شود؟

ج: چرا حتماً همین طور است می‌خواهم همین را بگویم. به هر حال می‌خواهیم بدانیم چه فایده‌ای برای نماینده ما دارد؟ برای دیگران هم طبعاً همین قدر فایده دارد طبیعتاً اگر کتابدار ما توانست به منابع بیشتری مراجعه کند، اطلاعات مورد نیاز نماینده را بهتر فراهم می‌کند و در اختیارش می‌گذارد. چیزی بیشتر از این ما از یک کتابدار توقع نداریم. اگر مخارجی هم صرف این کار می‌کنیم، برای رسیدن به همین مقصد است. اما یک بحث دیگری که آقای نوعی اقدم مطرح کرده بودند این است که اصلاً بحث این حرفها هم نیست؛ اگر شما بهترین کتابداران عالم را در کتابخانه مجلس جمع کنید، نماینده فرصت مطالعه کارهای شما را ندارد و نه تنها کارهای شما را بلکه حتی گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس که می‌آید تمام اطلاعات درباره طرح‌ها و لوایح که در مجلس مطرح است، به صورت ساندویچی و یا کپسول وار به صورت چند صفحه در اختیار نماینده قرار می‌دهد و متأسفانه شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه ما طوری است که نماینده فرصت مطالعه پیدا نمی‌کند و آن را مستقیماً به سطل آشغال می‌اندازند. این حرفی است که آقای نوعی اقدم زده است البته من خیلی با این حرف موافق نیستم خیلی از نماینده‌ها به کتابخانه مراجعه می‌کنند و نماینده‌ها انتشارات ما را می‌خوانند و نظر می‌دهند. پیام بهارستان را می‌خوانند و نظر می‌دهند. بعضی‌ها نامه بهارستان را می‌خوانند که یک مجله تخصصی در زمینه نسخ خطی است و اظهار نظر می‌کنند. رد و اثبات می‌کنند ولی نماینده‌هایی همچون آقای نوعی اقدم که یک مقدار علاوه بر نمایندگی اشتغالات هیئت رئیسه و کارپردازی اداری و مالی هم بر عهده ایشان هست، فرصت زیادی برای مطالعه این گونه آثار پیدا نمی‌کنند. واقعیت این است نماینده در مقابل خواست مردم حوزه انتخابیه خود هم قرار دارد و برای لوله‌کشی آب، انجام کارهای محلی، آسفالت فلان راه و رسیدن به مدرسه فلان روستا مراجعات خیلی زیادی دارد. این در واقع مشکل ما نیست، مشکلی است که کل مجلس با آن روبه‌رو است و حالا نماینده علاوه بر این که

به نیازهای مردم توجه دارد ولی باید این را جا بیاندازیم که نماینده مسئول اجرایی نیست بلکه مسئول قانونگزاری است ولی متأسفانه مردم ما این را از نماینده شان می‌خواهند. نماینده ای که واقعاً آمده برای قانونگزاری و باید خودش را نماینده کل کشور بداند و همه دغدغه اش این باشد که قانونی وضع کند که شش ماه دیگر اصلاحیه نخواهد و یا قانونی وضع کند که یک تنش بزرگ در جنبه‌های اقتصادی با فرهنگی و... جامعه ایجاد نکند، معنای آن این است که باید در وضع قانون اینقدر دقیق و سنجیده عمل شود که تنش‌های ناخواسته زیاد نشود یا جلوی بعضی از حرکت‌های نوپایی که در کشور به سمت اهداف مثبت شروع شده گرفته نشود، این نماینده طبعاً باید از منابع استفاده کند. بله یک بخش هم بحث مطالعه نماینده و خدمت‌رسانی کتابخانه به نماینده است که کتابخانه تا کنون توجه بسیار به آن داشته است. ما حتی یک کتابخانه ویژه نمایندگان کنار صحن علنی مجلس ایجاد کردیم. اگر نماینده خیلی مشغول باشد، حتی اگر برویم روی میز نماینده هم یک شعبه درست کنیم، نماینده به آن کار نخواهد رسید. به همین دلیل است که الان بعضی از نمایندگان آقا و خانم هستند که واقعاً از وجود یک کتابخانه در کنار صحن علنی مجلس اطلاع ندارند؛ با این که آقای رئیس مجلس اعلام کرد و روز افتتاح هم از همه دعوت کرد که در آن افتتاح باشند. بعد از آن مکاتباتی هم با نماینده‌ها داشتیم و افتتاح این کتابخانه را اطلاع دادیم ولی متأسفانه شرایط فرهنگی حکم بر جامعه ما یعنی فرهنگ عمومی مردم ما این را اقتضا نمی‌کند که نماینده را فقط به عنوان یک قانونگزار ببینند.

س: یکی از مباحث عمده ای که به تازگی مطرح شده است، نحوه ثبت آثار برجسته کشور در کمیته حافظه جهانی یونسکو است که شما هم به عنوان یکی از متولیان این امر در کشور فعالیت می‌کنید. لطفاً درباره عملکرد این کمیته و سوابق موجود توضیحاتی را ارائه نمایید؟

ج: کمیته ملی یونسکو در ایران سابقه طولانی دارد. یونسکو در دنیا برنامه ای را به عنوان برنامه حافظه جهانی حدود سیزده سال پیش در دستور کار خود قرار داد و طی هشت سال اخیر برنامه حافظه جهانی در ایران مطرح شده است و اخیراً

این برنامه دنبال این بود که میراث فرهنگی موثر در تحولات تاریخی جوامع بشری و میراث فرهنگی را ثبت کند. مثلاً اگر کتابی بوده که اثر فرمانطقه ای در جامعه بشری داشته است و یا قدم بزرگی در پیشبرد مسائل علمی محسوب می‌شده است، مثلاً فرض کنید کتاب قانون ابوعلی سینا در طب و یا یک کتاب فلسفی که اصلاً دیدگاه نوینی را در جامعه بشری ایجاد کرده است اینها مطرح شود و برود به یونسکو و در آن برنامه حافظه جهانی ثبت شود. از این منابع و میراث فرهنگی در کشورهای مختلف زیاد است. لذا آمدند فکر کردند که با این هجوم گسترده دیگر امکان بررسی دقیق و رسیدگی به اینکه واقعاً اینها باید ثبت شود یا خیر نیست لذا قرار شد از هر کشوری در هر دو سال که یک نشست داریم دو میراث اعلام شود و بررسی شود. بعد هر دو سال نزدیک ۴۰۰ میراث از جاهای مختلف دنیا بیاید و بررسی شود متوجه شدند که همین‌ها هم خودش خیلی زیاد است. گذشته از اینکه لااقل یک مرحله قبل از آن باید رسیدگی انجام شده و اسناد مورد نیاز فراهم شده باشد. کم شروع کردند کمیته‌های ملی حافظه جهانی را در کشورها درست کردند که کار اولیه تشکیل انجام پرونده، بررسی و کاندیدا کردن آن آثار برای ثبت در برنامه حافظه جهانی بین المللی را انجام بدهد و بعد خود یونسکو بررسی کند.

س: اعضای کمیته ملی حافظه جهانی یونسکو در کشورمان شامل چه افرادی اعم از حقیقی و حقوقی هستند و مرجع انتخاب آنان چه کسانی می‌باشند؟

ج: کمیته ملی حافظه جهانی پانزده عضو دارد که هشت عضو آن سازمان‌هایی هستند که در تاسیس آن نقش موثری را داشته‌اند که عبارتند از: سازمان اسناد و کتابخانه ملی، کتابخانه مجلس، کتابخانه آستان قدس رضوی، کتابخانه آیت الله مرعشی، صداوسیما، کتابخانه دانشگاه تهران، میراث



فرهنگی و کمیسیون ملی یونسکو و هفت عضو مابقی هم شامل اشخاص حقیقی و حقوقی هستند که در این زمینه علاقمند و صاحب تخصص هستند و پس از انتخاب به کمیسیون ملی یونسکو معرفی می شوند و از سوی دبیرکل کمیسیون و با امضای وزیر علوم و تحقیقات برای دو سال حکم می گیرند.

س: این اعضا از مرجعی حکم می گیرند که خودش هیچ نقشی در ترکیب و ساختار این کمیته نداشته است پس اجازه قانونی را برای فعالیت به این مجموعه بر چه اساسی صادر خواهد کرد؟

ج: کمیته ملی حافظه جهانی چنین آئین نامه ای را نوشته است و لازم نیست وزیر علوم در آن نماینده داشته باشد همین که کمیته ملی حافظه جهانی دارای یک اساسنامه خاص است، در واقع این کمیته ملی یک سازمان غیر دولتی است و وزیر علوم و فن آوری و تحقیقات به آنها حکم می دهد؛ یعنی تایید می کند که اینها حق دارند چنین فعالیتی را داشته باشند ولی لازم نیست که خودش هم این فعالیت را انجام بدهد. این فعالیت یک فعالیت دولتی نیست بلکه یک فعالیت ملی است اگرچه بعضی از اعضایش وابسته به دولت و حکومت هستند.

س: چه آثاری از سوی کتابخانه مجلس برای ثبت در حافظه جهانی یونسکو ارائه شده است و کدام آثار به تصویب نهایی رسیده است؟

ج: ما سفینه تبریز را سال گذشته معرفی کردیم و حالا پرونده اش تشکیل شده است ولی هنوز جواب قطعی در مورد اینکه تصویب شده است یا خیر به صورت مکتوب اعلام نشده است. البته روال بر این منوال بود که هر کشور دو اثر معرفی کند که با مذاکراتی که انجام دادیم توانستیم موافقت آنها را برای ثبت چهار اثر را بگیریم. سه اثر دیگری که ارائه کردیم هم یکی شاهنامه بایسنقری، وقفنامه ربیع رشیدی در تبریز و دیگری قرآن های نوشته شده بر پوست آهو در آستان قدس رضوی بودند.

س: در اظهارات خودتان فرمودید که این آثار باید از یک شاخصه و یک برتری خاصی برخوردار باشند که یک تحولی را ایجاد کرده باشد به عنوان مثال این سفینه تبریز چه تحولی را ایجاد کرده

است؟

ج: سفینه تبریز مجموعه ای از ۲۰۹ رساله علوم در دو جلد مختلف است؛ رساله هایی در زمینه زبان شناسی، فقه، اصول، طب، نجوم، عرفان، فلسفه، منطق و موضوعات متنوع دیگر. اما ربیع رشیدی مرکزی بود در تبریز که توسط خواجه رشیدالدین فضل الله ایجاد شد و محققین کشورهای مختلف آنجا شروع به ترجمه متون علمی کردند. که در کتاب سفینه تبریز از علوم مختلف هر کدام نمونه هایی از زبانهای مختلف ترجمه شده است و کاتب آن اینها را جمع کرده و داخل یک کتاب آورده است. در مورد این مجموعه سفینه تبریز نیز یک کنفرانس بین المللی در دانشگاه لایدن هلند برگزار شده است و جنبه های مختلف مطرح در سفینه را اعم از رساله های زبان شناسی و رساله های عرفانی مورد بحث قرار داده است که توانسته نقاط مبهم در تاریخ عرفان و زبان شناسی را باز کند و به همین دلیل تاثیر فوق العاده ای در فرهنگ و تمدن بشری دارد و چون محل نوشته شدن آن در اوایل قرن هشتم (از ۷۱۱ تا ۷۲۱) تبریز بود اسمش شده سفینه تبریز و انحصار به تبریز ندارد.

س: در حالی صحبت از حفظ، حراست و نیز ثبت آثار تاریخی کشورمان را مطرح می کنیم که برخی از برجسته ترین آثار نقاشی پراوازه کشورمان کمال الملک و شاگردان ایشان به عنوان میراث فرهنگی کشورمان در کتابخانه مجلس دارای وضعیت مناسبی نیستند. چگونه چنین امری قابل توجیه است؟

ج: نقاشی کمال الملک و شاگردان وی همه آثار ارزشمندی از میراث فرهنگی و هنری ما هستند که در واقع آنها متعلق به موزه مجلس است. این موزه در ساختمان نگارستان نزدیک مجلس قدیم مستقر بود. بعد از اینکه آن موزه ساختمانش به مجلس خبرگان واگذار شد، آن ساختمان را نیز از ما گرفتند. ابتدا برای خبرگان رهبری پیشنهاد شده بود که یک ساختمان جدیدی ساخته شود و هزینه زیادی نیز پیش بینی کردند، اما رئیس مجلس وقت حاج آقای کربوبی و رئیس جمهور وقت جناب آقای خاتمی توافق کردند که آن ساختمان به دولت پس داده شود و دولت در اختیار مجلس خبرگان قرار دهد. البته واقعیت این است که آن ساختمان برای

موزه فضای خیلی خوبی بود و زمان قبل از انقلاب برای اینکه به موزه اختصاص پیدا کند هزینه سنگینی صرف دکورسازی و فضا سازی داخلی آن شده بود. خود ساختمان هم ساختمان موزه ای بود، ساختمان به کاخ مادر شاه معروف بود و جزء کاخ های سلطنتی آن زمان بود. ما هم اصرار داشتیم از حالت موزه ای خارج نشود ولی واقعیت این بود که به هر حال تصمیمی بود که با توافق رئیس مجلس و رئیس جمهور وقت گرفته شده بود و موزه ما در آنجا جمع آوری شد. البته ما همه کارهایی را که می شد برای حفاظت این تابلوها در نظر گرفت تا صدمه نینند انجام دادیم و آنها را در شرایط خاصی بسته بندی کردیم ولی به هر حال تا وقتی که موزه مجلس آماده بهره برداری نشود و اینها از داخل این کارتن ها در نیابند مشخص نمی شود. به هر حال قرار داشتن در یک بسته بندی می تواند آسیب زا باشد و لذا واقعاً هم نگران هستیم.

س: البته طی گزارش های واصله از سوی کارشناسان این آثار در شرایط مناسبی قرار ندارند؟

ج: خیر در شرایط خوبی هستند و به خوبی حفاظت می شوند ولی بحث بر سر این است که در همین شرایط خوب هم تا دو و یا سه ماه عیب ندارد ولی طی دو سال اگر در بهترین شرایط هم بسته بندی شده بمانند ممکن است حالات مجهولی ایجاد شود و در آن حالت که ما نمی بینیم فعل و انفعالات شیمیایی صورت بگیرد.

س: آیا نمی توانستید با دوراندیشی و تدبیر آنها را به صورت امانت همچون موزه سعد آباد و یا جای دیگری قرار بدهید تا به این آثار برجسته صدمه ای وارد نشود؟

ج: باید این نکته را در نظر گرفت که ما از اول فکر نمی کردیم که دو سال موزه نخواهیم داشت. قرار ما این بود که بلافاصله وقتی از آنجا می آوریم شرایط را در ساختمان مشروطیت آماده کنیم و آن جا را به موزه اختصاص بدهیم و حتی اقداماتی را هم برای آماده سازی این محیط انجام دادیم ولی با یک موضوعی برخورد کردیم که مقداری کارمان طولانی شد زیرا این ساختمان موربانه زده بود و باید با آن مبارزه می شد در یک جا نیز به یک کانون موربانه برخورد کردیم این احتمال وجود داشت که بقیه نقاط هم دوباره آن کانونها

فعال شوند و آثارش به وضوح قابل دیدن است. حالا مجلس وارد مبارزه شده است. البته مبارزه با موریانه کار مشکلی است و ما نتوانستیم موزه مان را در اینجا بچینیم بعد از آن طول کشید تا استقرار مجلس هفتم که مجلس به بهارستان منتقل شد.

س: آیا در مجلس اصولگرایان نیز نبرد با موریانه ها هنوز ادامه دارد و یا دست از مبارزه کشیده‌اند؟

ج: اتفاقاً مبارزه دارد انجام می‌شود. آن زمان دست ما بود و بعد هم مسئولین سازمان اداری مجلس دارند مبارزه می‌کنند وقتی مجلس هفتم این ساختمان را تحویل گرفت آن را برای استقرار تشریفات و دفتر ریاست در نظر گرفت. مبارزه با موریانه هم به عهده خودشان افتاد و حالا هم دارند مبارزه می‌کنند و طبیعتاً یک مبارزه طولانی مدت است. لذا بعد از اینکه این ساختمان را از ما گرفتند ساختمان ملیجک را برای راه اندازی موزه به ما دادند که قرار است آثار کمال الملک و بقیه اشیاء موزه را در آنجا قرار دهیم. از لحاظ بودجه نیز مشکل داشتیم که یک سال پیش رییس مجلس بودجه مخصوصی را برای راه‌اندازی موزه مجلس به حساب ما ریخت و امیدواریم که در روز مجلس دهم آذر بتوانیم آن را افتتاح کنیم که بتواند به عنوان موزه مجلس نه تنها در مرزهای داخلی بلکه با بقیه موزه های سایر مجالس دنیا قابل قیاس باشد. یعنی کار فاخر و ارزشمندی که بتواند نشان دهنده تاریخ یکصد سال قانونگذاری در ایران باشد که باید تمام جزئیات با حساسیت خاصی انجام شود.*

س: جناب آقای ابهری یکی دیگر از دل مشغولی های شما عضویت در هیئت رئیسه اتحادیه نسخ خطی اسلامی در دانشگاه کمبریج در کنار نماینده آمریکا، انگلستان، مصر و ترکیه است؛ لطفاً درباره سوابق و لزوم تشکیل اتحادیه نسخ خطی اسلامی توضیح دهید؟

ج: سال گذشته موسسه تزاروس اسلامی که وابسته به دانشگاه کمبریج است، با همکاری خود دانشگاه یک کنفرانس نسخ خطی اسلامی تشکیل داد، بعضی از کشورها در آن شرکت کردند از ایران هم آقای عظیمی از کتابخانه ملی در آن شرکت کرده بود. آنجا بحث هایی مطرح می شود که صرفاً کار علمی، خیلی ارزشمند است، ولی کارایی

چندانی برای تاثیر گذاری در سرنوشت نسخ اسلامی ندارد. لذا پیشنهاد شد که مراکز مختلفی که در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی با نسخ خطی اسلامی مرتبط هستند یک اتحادیه‌ای را تشکیل دهند. از پارسال تا امسال طول کشید تا اینکه اساسنامه ای برای اتحادیه نسخ خطی اسلامی تنظیم شود. امسال دومین کنفرانس نسخ خطی اسلامی در دانشگاه کمبریج باز با کمک موسسه تزاروس اسلامی و دانشگاه کمبریج به راه افتاد. در این کنفرانس دوم اساسنامه ای که روی آن یکسال کار شده بود به تصویب رسید و همه امضاء کردند و از بیست کشور، ۴۳ نماینده که در زمینه نسخ خطی اسلامی صاحب نظر بودند یا دستی در کار آن داشتند شرکت کرده بودند. بعد از تصویب این اساسنامه این اتحادیه تشکیل شد.

از جمله اهداف این اتحادیه می‌توان به اقداماتی در جهت آموزش، حفاظت، مرمت، فهرست نگاری، معرفی، تصحیح، اجراء، انتشار و دیجیتالی کردن نسخ خطی اشاره کرد و فعلاً در برنامه کاری اتحادیه قرار دارد؛ یعنی با جمع کردن توان و استعداد مراکز مختلفی که عضو این اتحادیه هستند بتوانند در بحث حفاظت و مرمت نسخ خطی اسلامی و بحث معرفی نسخ خطی اسلامی، تصحیح و انتشارش و دیجیتالی کردن آن تاثیر گذار باشند.

س: انتخاب ۴۳ نماینده از بیست کشور بر اساس چه معیارهایی صورت گرفته است؟ نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ج: این افراد یا نماینده مراکز، کتابخانه ها و یا گنجینه دار نسخ خطی می باشند و یا کسانی هستند که در این زمینه سابقه فعالیت مفید دارند، مثل کتابخانه مجلس، کتابخانه ملی در ایران و یا کتابخانه دارالکتب و کتابخانه الازهر مصر، کتابخانه UCLA آمریکا و یا کتابخانه های مختلف کشورهای مثل مصر، ترکیه و مراکش قرار دارند که همه این افراد، شخصیت های علمی شناخته شده‌ای هستند. انتخاب خاصی هم صورت نگرفته، کسانی که در این زمینه صاحب نظر بودند دعوت شدند که در این کنفرانس شرکت کنند و به عنوان موسس این اساسنامه را امضاء کردند و تشکیل شد که همه اینها موسسین بودند. بنده هم به عنوان نماینده کتابخانه مجلس در آنجا شرکت کردم و نیز از آقای دکتر عظیمی از کتابخانه ملی، آقای ایرانی از مرکز پژوهشی میراث مکتوب و نیز آقای

انصاری از محققین و خانم ماندانا برکشلی بنیانگذار موزه هنرهای اسلامی مالزی که ایشان در مالزی ساکن هستند از ایران شرکت داشتند. بعد از این که اساسنامه را تصویب کردیم شش نفر انتخاب شدند تا با چهار نفری که از طرف تزاروس اسلامی تعیین می‌شوند و گردانندگان اجرایی این اتحادیه هستند مجموعاً ده نفر بشوند و هیات رئیسه را تشکیل دهند. از آن شش نفر دو نفر از ایران انتخاب شدند و این مایه افتخار ما است که در یک گروه شش نفری دو نفر ایرانی انتخاب شوند.

س: در حالی که خانم برکشلی که در مالزی ساکن است و نقشی که ایشان در آن کشور دارند چگونه ایشان نمایندگی کشورمان را برعهده دارد؟

ج: ایشان ایرانی است و به خاطر مسئولیتش ساکن مالزی است و اصلاً ملاک دولت نیست و خودشان شرکت کردند. در حقیقت در این کنفرانس لازم نبود که نماینده آن کشور باشند. صاحب نظران کشورهای مختلف دنیا شرکت کرده بودند. اصلاً دولت ملاک نبود خود افراد هم دعوت شده بودند از افراد صاحب نظر دنیا دعوت شده بود که در این



کنفرانس شرکت کنند.

س: علاقمندی موسسه‌ای به نسخ اسلامی برای دستیابی به کلیه نسخ ناب اسلامی در حالی که وابسته به دانشگاه کمبریج استعمارگر پیر است، چه انگیزه‌هایی در پشت آن می‌تواند وجود داشته باشد؟

ج: همه اینها محتمل است ولی نمایندگانی از کشورهای اسلامی از ایران، مصر، ترکیه در هیئت رئیسه شرکت دارند. حالا امیدواریم اگر سیاست های پشت پرده ای هم در کار باشد مراقب باشیم که فریب نخوریم و باید به عنوان یک کار علمی و با خوش بینی با آن برخورد کنیم. البته در این طرح در صورتی که نسخ خطی فهرست نگاری و دیجیتالی شوند و در شبکه جهانی قرار بگیرد همه

نسخ خطی برای علاقمندان، محققان و مراکز علمی قابل استفاده و دسترسی خواهند بود. از جمله موسسه تزاروس اسلامی هم از آن شبکه می تواند بهره برداری کند. حالا بحث اینجاست که آیا اصولاً اینکه نسخ خطی اسلامی در اختیار دیگران قرار بگیرد پدیده ارزشمندی است یا باید از آن دوری کنیم؟ دیدگاههای مختلفی در این زمینه وجود دارد. گروهی معتقدند که به هر حال منابع ما است و چرا دیگران باید از آن استفاده کنند. که البته در صورت رفتار متقابل منابعی که در کتابخانه‌های غربی که اصیل ترین متون ما هستند اگر روی شبکه قرار بگیرد و محققین ما بتوانند از آن استفاده کنند باقی متخصصین خودشان بتوانند از آنها استفاده کنند. پس بد نیست که منابع ما هم روی شبکه قرار بگیرد و بتوانند از آن استفاده کنند ما از این که منابع ما استفاده شود تا حالا ضرر نکرده ایم. آنجا ضرر کرده‌ایم که میراث فرهنگی ما سرقت شود و از کشور خارج شود اما اینکه استفاده کنند واقعیت این است که بسیاری از محققین غربی بودند که غنای فرهنگ اسلامی را به ما نشان دادند. بسیاری از بزرگان فرهنگ و ادب کشور را غربی‌ها به ما شناساندند. مثلاً هفتاد سال پیش حافظ و مولانا را اینطور مردم شرق نمی‌شناختند بنابراین اینکه بر روی متون ما محققین کار کنند و از متون ما استفاده کنند جنبه‌های ارزش این متون را به دنیا نشان بدهند این بد نیست.

س: اتحادیه بین المللی نسخ خطی اسلامی چه پتانسیلی برای بهبود شرایط نسخ خطی ایرانی می تواند داشته باشد؟

ج: من گمان می‌کنم که پتانسیل بالایی دارد و به هر حال اتحادیه توان و استعدادش برای پدید آمدن از مجموعه توانایی افراد متخصص این رشته در کشورهای مختلف است. این اتحادیه می تواند امکانات خوبی را از حق عضویت یا از فعالیت‌هایی که انجام می‌دهد تامین می‌کند. مثلاً از پارسال تا امسال با دارالکتب مصر، کتابخانه ملی مصر برای فهرست‌نگاری، مرمت و دیجیتالی کردن نسخ خطی آنها صحبت شده است و یک مبلغ خوبی را هم قرارداد بسته‌اند. اینها توانایی اتحادیه را زیادتر می‌کند. می‌تواند این کارها را مرمت‌گران و فهرست‌نگاران ما قرار داد ببندد و انجام دهند. طبیعتاً از این امکانات مالی می‌تواند از یک جاهایی کمک مالی دهند و یا کمک تخصصی و علمی

دهند و کار برای متخصصین ایجاد کنند. اینها پتانسیل‌هایی است که می‌شود استفاده کرد و در نهایت می‌توانند دیدگاه‌های جدیدی را در برخورد با نسخ خطی چه در مرحله فهرست‌نگاری و چه در مرحله احیاء، انتشار و یا مرمت و دیجیتالی کردن در این چهار تا کمیته کمک‌های علمی خوبی انجام داد. البته کشورمان، کشور فقیری نیست، کشور غنی است اما وقتی فضای آماده‌ای برای اشتغال مرمت‌گر ایرانی وجود نداشته باشد وجود یک مرمت‌گر که ما این را ثروت جامعه به حساب می‌آوریم خیلی فوایدش درک نمی‌شود و خیلی امتیاز به حساب نمی‌آید. اگر ما بتوانیم از طریق همین اتحادیه نسخ اسلامی قراردادها را ببندیم و مرمت‌گران ایرانی در کشورهای دیگر به ترمیم و مرمت نسخ خطی یا به فهرست‌کردن نسخ خطی یا دیجیتالی کردن نسخ خطی بپردازند، و از ثروت موجودمان به وسیله پتانسیل‌ها و روش‌های این اتحادیه توانستیم به خوبی استفاده کنیم. حتی اگر نتوانستیم کمک از آنها بگیریم و یا نخواهیم کمک از آنها بگیریم همین که راه‌ها برای فعالیت متخصصین باز می‌شود، این برای ما ارزشمند است.

س: یکی دیگر از مراکزی که در رابطه با حفظ نسخ اسلامی فعالیت می‌کند مجمع ذخایر اسلامی است که از آن به عنوان نخستین کتابخانه دیجیتالی نسخ خطی نام می‌برند. لطفاً درباره نحوه تاسیس آن توضیح دهید؟

بنیانگذارش جناب آقای حسین اشکوری است که پارسال بزرگداشت ایشان را نیز برگزار کردیم. البته با کمک‌های مالی دفتر آیت الله سیستانی در ایران این مجمع تاسیس شده است و به غیر از دیجیتالی کردن در زمینه‌های مختلف هم کار کرده‌اند. آقای اشکوری از کسانی است که سالها در فهرست‌نگاری نسخ خطی فعالیت کردند و از کسانی است که دائماً به نسخ جدید نیاز داشته است و به کتابخانه‌های داخل و خارج مراجعه داشته و همیشه مشاهده می‌کرده است که کتابخانه‌های خارجی سرویس بهتری ارائه می‌دهند و همیشه افسوس می‌خورد که چرا در کشورمان متون را به سادگی به دست محقق نمی‌دهیم. لذا بعد از اینکه ایشان به همکاری با کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی پایان داد با حمایت دفتر آیت الله سیستانی

در قم، مجمع ذخایر اسلامی را راه انداخت. خواست نمونه‌ای از ساده‌کردن دستیابی محقق به نسخ خطی را نشان دهد و این کار را کرد. در نتیجه ایشان تلاش کرد نسخه‌های خطی که خودشان می‌خرند و یا نسخه‌های خطی که در مراکز دیگر است همه آنها را به صورت دیجیتالی در بیاورند و به سادگی در اختیار محقق قرار بدهند. ما در یکی از آیین‌های حامیان نسخ خطی به عنوان کسانی که فعالیت خوبی در تسهیل دستیابی محقق به متون داشتند به ایشان جایزه دادیم ولی در اتحادیه نسخ خطی اسلامی نماینده‌ای نداشتند.

س: چگونه در حالی که آیت الله سیستانی به عنوان یک ایرانی تبدیل به بزرگترین مرجع عراق شده است و در آن کشور ساکن است، دفترش به عنوان یک حمایت کننده مالی نقش ایفا می‌کند؟ آیا مسئولین و نهادهای ایرانی توانسته‌اند در این زمینه کارنامه موفق‌تری را نشان دهند؟

ج: مراجع ما معمولاً در مسائل فرهنگی کار می‌کنند. خیلی هم این مسئله که در کدام کشور اقامت دارند و یا در کدام کشور فعالیت می‌کنند، مطرح نیست. به عنوان مثال دفتر آیت الله گلپایگانی در لندن یک موسسه فرهنگی بزرگی را اداره می‌کند و خیلی هم تابع مرزهای بین المللی و مرزهای سیاسی نیستند. مراجع ما به عنوان مراجع دینی مسائل فرهنگی اسلامی را در هر جای دنیا حمایت می‌کنند. البته در عراق کتابخانه کاشف الغطا در نجف هم مانند مجمع ذخایر اسلامی تا حالا کار کرده است و اما اینکه مسئولین و نهادهای ایرانی در این زمینه کارنامه موفق‌تری داشته‌اند یا خیر به نظر من کارنامه نسبتاً خوبی داشته‌ایم. بیشتر کتابخانه‌های بزرگ در حفاظت، مرمت، معرفی و احیاء نسخ خطی فعالیت خوبی داشته‌اند و از این جهت از بسیاری کشورها جلوتر هستیم. البته کار انجام نشده هم خیلی داریم که باید با همت مسئولان سریعاً انجام شود.